

تدوین مدل ساختاری شکست عشقی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، سبک دل‌بستگی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای فرزندپروری و حمایت اجتماعی ادراک‌شده

لادن عراقی^۱، عبدالله شفیع‌آبادی^{۲*}، علی دلاور^۳، مژگان
مردانی راد^۴

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۱۳

تاریخ وصول: ۹۹/۰۵/۱۶

چکیده

پژوهش حاضر به منظور تدوین مدل ساختاری شکست عشقی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، سبک دل‌بستگی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای فرزندپروری و حمایت اجتماعی ادراک‌شده است. روش پژوهش همبستگی و از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری، شامل کلیه دختران و پسران دارای تجربه شکست عشقی بود که در نیمه نخست سال ۱۳۹۸ به مراکز مشاوره مناطق ۱/۳/۲/۵ شهر تهران مراجعه کرده بودند و به صورت داوطلبانه ۲۰۰ نفر انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری پژوهش شامل پرسشنامه سبک‌های دل‌بستگی هازن و شاور (AAI)، نشانگان ضربه عشقی (LTSI)، ویژگی‌های شخصیتی نئو (NEO-FFI-60)، طرح‌واره‌های یانگ (فرم کوتاه)، ادراک والدین گرونیک (POPS) و مقیاس چندبعدی حمایت اجتماعی ادراک‌شده (MSPSS) بود. نتایج نشان داد که مدل آزمون‌شده، مدل مطلوبی است و از برازش قابل‌قبولی برخوردار است. همچنین نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که تأثیر کلی عوامل فردی یعنی سه عامل ویژگی‌های شخصیتی، سبک دل‌بستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و همچنین عامل اجتماعی یعنی متغیر حمایت اجتماعی ادراک‌شده بر شکست عشقی دختران و پسران شهر تهران معنادار بوده است. در ارتباط با فرضیه دوم یعنی عامل خانوادگی یا همان الگوهای فرزندپروری در مطالعه حاضر، نتایج مدل معادلات ساختاری نشان داد که تأثیر کلی این متغیر بر شکست عشقی معنادار نبوده است. با این حال، تحلیل دقیق و بیشتر آن نشان داد که از بین خرده مقیاس الگوهای فرزندپروری، سه مؤلفه

-
۱. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه اسلامی واحد تهران مرکز
 ۲. استاد گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)
 ۳. استاد ممتاز گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه علامه طباطبائی
 ۴. استادیار گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

ashafiabady@yahoo.com

اشتغال پدر به فرزند، حمایت از خودمختاری پدر و گرمی پدر اثر معناداری بر شکست عشقی دختران و پسران داشته است.

واژگان کلیدی: شکست عشقی، ویژگی‌های شخصیتی، سبک دل‌بستگی، طرح‌واره‌های ناسازگار.

مقدمه

نشانه‌های ضربه عشق^۱ مجموعه علائم و نشانه‌های شدیدی است که پس از فروپاشی یک رابطه رمانتیک بروز می‌کند، عملکرد فرد را در زمینه‌های متعدد زندگی مختل می‌کند، واکنش‌های غیرطبیعی و ناسازگار به دنبال دارد، طولانی‌مدت است (فیلد^۲، ۲۰۱۱) و شامل برانگیختگی، اجتناب، یادآوری خودکار و بی‌تفاوتی هیجانی است (گیلبرت و سیفرز^۳، ۲۰۱۱)؛ اما قطع رابطه عاطفی معمولاً به‌طور ناگهانی نیست. از جمله عوامل مؤثر در پایان و فروپاشی رابطه عاطفی می‌توان به طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه^۴، سبک‌های دل‌بستگی^۵، شیوه‌های فرزندپروری^۶، شکست فنی^۷ و شکست ناگهانی^۸ (نقض قوانین اصلی رابطه از قبیل خیانت و سوءاستفاده) اشاره کرد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۱؛ امیری‌پیچاکلاپی و همکاران، ۱۳۹۱). یکی از عوامل مؤثر در برقراری روابط عاشقانه و درگیری عاطفی فرد، خصوصیات بنیادی شخصیت^۹ است (وایت، هندریک و هندریک^{۱۰}، ۲۰۰۴). بر اساس نظریه صفات شخصیتی، ویژگی‌های شخصیتی مجموعه‌ای از شاخصه‌ها و فاکتورهای نسبتاً پایدار است (مهتا^{۱۱}، ۲۰۱۲) که افراد با برخورداری از هر ویژگی، به‌طور متفاوتی با شرایط مختلف برخورد کرده و با شیوه‌های مختلف با محیطشان ارتباط برقرار می‌کنند

1. love trauma syndrome
2. Field
3. Gilbert, & Sifers
4. early maladaptive schema
5. attachment style
6. parenting style
7. technical failure
8. unexpected failure
9. personality traits
10. White, Hendrick, & Hendrick
11. Mehta

(عالی^۱، ۲۰۱۸). نتایج پژوهش‌های انجام‌شده حاکی از ارتباط ویژگی‌های شخصیتی با عشق‌ورزی یا شکست عشقی است (سروقد^۲، ۲۰۱۰؛ نتایج پژوهش کارالیس و هسلم^۳، ۲۰۰۴؛ هیون، دیسیلوا، کری، هولن^۴، ۲۰۰۴؛ گنزاگا، کمپوس و برادبوری^۵، ۲۰۰۷؛ لطفی و سعادت‌شامیر، ۱۳۹۵).

سبک‌های دل‌بستگی از دیگر عواملی است که می‌تواند بر شکست عشقی افراد تأثیرگذار باشد. هازن و شاور^۶ (۱۹۸۷) معتقدند که انواع زنجیره‌های دل‌بستگی که در دوران کودکی تشکیل می‌دهیم، نحوه برقراری ارتباط زناشویی و عشق‌ورزی را در دوران بزرگسالی تحت تأثیر قرار می‌دهد (میکولینسر، شاور و گیلاث^۷، ۲۰۰۹). همچنین نتایج پژوهش مک‌دونالد، پچ و فیگردو^۸ (۲۰۱۶) حاکی از ارتباط منفی سبک دل‌بستگی اجتنابی با برقراری روابط عاشقانه بود. به طوری که افراد دارای سبک دل‌بستگی اجتنابی در دوره شکل‌گیری سبک دل‌بستگی، مورد بی‌توجهی مراقبان قرار گرفته‌اند. از طرفی، طرح‌واره‌ها، متشکل از باورهایی است که از دوران کودکی و در ارتباط با والدین، درباره خود، دیگران و محیط شکل گرفته است (سیموان-دیفرانسکو، رودیگرز و استیونز^۹، ۲۰۱۵). شیوه‌های تربیتی والدین، نحوه ارضای نیازهای کودک در دوران کودکی و خلق‌وخوی فطری کودک، می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار گردد (دوزوئیس، مارتین و بیلینگ^{۱۰}، ۲۰۰۹). نادیده انگاشتن یکی از نیازهای هیجانی مهم با عنوان دل‌بستگی ایمن به دیگران و مشتمل بر نیاز به امنیت، ثبات، محبت و پذیرش، می‌تواند موجب شکل‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار گردد. طرح‌واره‌های منفی می‌توانند ارزیابی افراد را از رویدادهای فشارزا تحت تأثیر قرار دهند و از توانایی آن‌ها برای مقابله با مشکلات بکاهند. در این مورد نیز به نظر می‌رسد که حضور طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، به آسیب‌پذیری فرد برای انواع

1. Ali
2. Sarveqad
3. Caralis, & Haslam
4. Heaven, Da Silva, Carey, & Holen
5. Gonzaga, Campos, & Bradbury
6. Hazan, & Shaver
7. Mikulincer, Shaver, & Gillath
8. McDonald, Patch, & Figueredo
9. Simeone-DiFrancesco, Roediger, & Stevens
10. Dozois, Martin, & Bieling

مختلف آشفته‌گی‌های روانی منجر می‌شود. از این‌رو، می‌تواند مانعی برای رضایت از زندگی زناشویی شود (سلیگمن^۱ و همکاران، ۲۰۰۷).

الگوی فرزندپروری، می‌تواند سبب پیدایش ویژگی‌های شخصیتی منحصر به فرد شده و نحوه برقراری و تداوم روابط بزرگ‌سالی را رقم بزند (اعزازی، ۱۳۸۲). در خانواده‌های دارای سبک والدینی مقتدر، فرزندان از سبک دل‌بستگی ایمن‌تری نسبت به سایر شیوه‌های فرزندپروری، مشکلات کم‌تری در رفتار و برقراری روابط عاطفی دوران‌های رشدی کودکی، نوجوانی و جوانی برخوردار هستند. در مقابل، والدین دارای شیوه تربیتی استبدادی با اعمال مهارگری شدید، سطوح بالای جدیت، انضباط بی‌ثبات و سخت‌گیرانه و سطوح نسبتاً پایینی از صمیمیت عاطفی (رینالدی^۲، ۲۰۱۲)، کودکان مطیع و پیرو، با خود ادراکی پایین و سطوح بالای اختلال‌های روانی و جسمانی بار می‌آورند (سامرآف^۳، ۲۰۰۴). پژوهش‌های انجام‌شده نیز حاکی از ارتباط بین الگوهای فرزندپروری والدین و ویژگی‌های شخصیتی کودکان در بزرگ‌سالی است (گاتمن^۴، ۲۰۱۸؛ تودورویک، متجویک و سیمیک^۵، ۲۰۱۲).

عدم دریافت حمایت اجتماعی لازم از دیگر عوامل زمینه‌ساز شکست عاطفی است. حمایت اجتماعی به دسترس بودن و کیفیت روابط یا افرادی که منابع حمایتی را در مواقع نیاز فراهم می‌کنند، تأکید دارد. دوستان، آشنایان و خانواده خدمات عینی و اطلاعاتی فراهم می‌کنند که موجب می‌شود فردی احساس مراقبت و ارزشمند بودن کرده و احساس کند که او نیز بخشی از شبکه ارتباطی است (لیندزی و تامپسون^۶، ۱۹۹۸). همچنین به مراقبت، محبت، عزت، تسلی و کمکی اطلاق می‌شود که سایر افراد یا گروه‌ها به فرد عرضه می‌کنند (کوهن^۷، ۱۹۸۵). بر اساس نتایج پژوهش‌ها علائم ناشی از شکست عاطفی زمانی که حمایت اجتماعی دریافت می‌شود، سریع‌تر بهبود می‌یابد (استوربی، زچ، استوربی

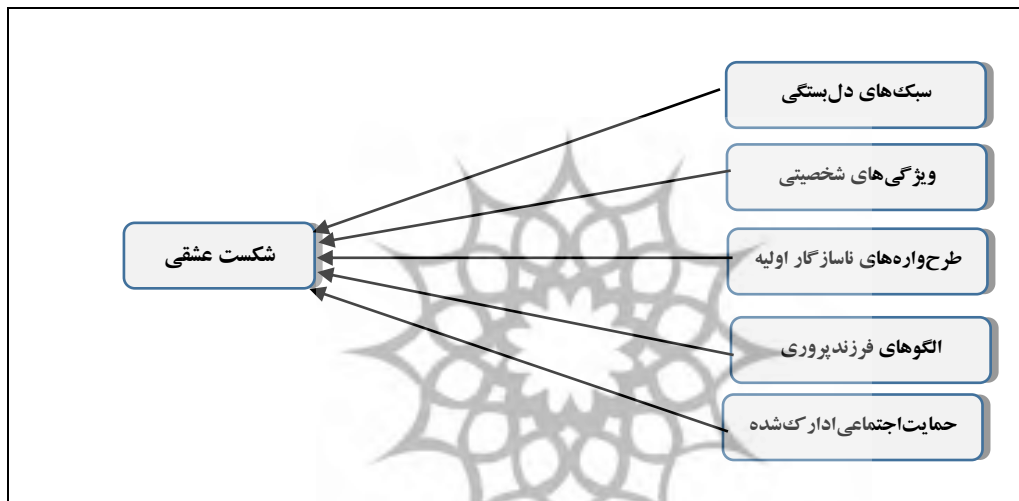
1. Seligman, Schulman, & Tryon
2. Rinaldi, & Howe
3. Sameroff
4. Gutman
5. Todorovic, Matejevic, & Simic
6. Lindsey, & Tompson
7. Cohen

و آباکومکین^۱، ۲۰۰۵). چرا که با تقویت شناخت، کاهش تنش تجربه‌شده، افزایش بقا و بهبود کیفیت زندگی مواجه خواهد شد (سونارز^۲ و همکاران، ۲۰۰۰).

با بررسی پیشینه‌های پژوهشی مرتبط می‌توان دید که ارتباط هریک از متغیرهای شخصیت (مصباحی، امیری مجده، قمری و بزازیان، ۱۳۹۸؛ لطفی و ابوطالب سعادت، ۱۳۹۵؛ تیم^۳، ۲۰۱۰؛ سروقد، ۲۰۱۰؛ اشمیت^۴ و همکاران، ۲۰۰۹؛ گنزاگا، کمپوس و برادبوری، ۲۰۰۷؛ کارخانه، بهرامی احسان و منطقی، ۱۳۹۳؛ هسلم، ۲۰۰۴؛ هیون، دیسلوا، کری، هولن، ۲۰۰۴؛ اینگل، اولسون و پاتریک، ۲۰۰۲)، سبک‌های دل‌بستگی (یوسفی، امانی، عسگری و سلیمانی، ۱۳۹۶؛ مک‌دونالد، پیچ و فیگرودو، ۲۰۱۶؛ اولدرباک و فیگورادو، ۲۰۰۹؛ عسگری، ۱۳۹۵؛ امان‌اللهی، تردست و اصلانی، ۱۳۹۵؛ الدربک و فیگرودو^۵، ۲۰۰۹؛ شارانیا و ایکس^۶، ۲۰۰۷)، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه (قاضی نژاد و آسایش، ۱۳۹۹؛ ایکن^۷، ۲۰۱۷؛ ایوانی، نوری و حاتمی، ۱۳۹۳؛ آرتنز و جیکوب، ۲۰۱۳؛ تیم، ۲۰۱۰؛ مک‌درموت^۸، ۲۰۰۸؛ مسمن-مور و کوآتس^۹، ۲۰۰۷)، الگوهای فرزندپروری (گاتمن، ۲۰۱۸؛ نیسانی، محمدی فخرآبادی، مصطفایی و صالحی، ۱۳۹۵؛ اکبری و همکاران، ۱۳۹۱؛ اسمعلی کورانه و امیرسرداری^{۱۰}، ۲۰۱۵؛ زافیروپولو و اوگیانو^{۱۱}، ۲۰۱۴؛ تودوروویک، متجویک و سیمیک، ۲۰۱۲) و حمایت اجتماعی (حسینی، رحمانی و نوری، ۲۰۱۶؛ مقدم فر و شاه نظری، ۲۰۱۶؛ فهیمی، عظیمی، اکبری، امیری پیچاکالایی و پورشرفی، ۱۳۹۳؛ بشارت، کشاورز، غلامعلی لواسانی و عربی، ۱۳۹۳؛ استوربی و همکاران، ۲۰۰۵؛ سونارز و همکاران، ۲۰۰۰) به‌طور جداگانه بر مشکلات عاطفی و شکست عشقی مورد تأیید قرار گرفته است. با این حال، تا به حال در هیچ پژوهشی، این متغیرها به‌طور هم‌زمان و در قالب یک مدل مفهومی به‌ویژه در داخل کشور مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته‌اند. از طرفی، با

1. Stroebe, Zech, Stroebe, & Abakoumkin
2. Suarez
3. Thimm
4. Schmitt
5. Olderbak, & Figueredo
6. Charania, & Ickes
7. Eken
8. McDermott
9. Messman-Moore, & Coates
10. Esmali Koorane, & Amirsardari
11. Zafiropoulou, & Avagianou

توجه به پیامدهای روان‌شناختی متعدد شکست عاطفی بر افراد، شناسایی متغیرهای مؤثر بر آن و به دنبال آن ارائه پیشنهادات و روش‌های درمانی مناسب برای این گروه، بار دیگر اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش را مطرح می‌سازد. از این‌رو، پژوهش حاضر به دنبال تدوین مدل علی جهت تعیین عوامل فردی (ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌دل‌بستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه)، خانوادگی (الگوهای فرزندپروری) و اجتماعی (حمایت اجتماعی ادراک شده) مؤثر در شکست عاطفی دختران و پسران شهر تهران بود. شکل زیر مدل مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش

روش در این پژوهش از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دختران و پسران جوان (۱۸ / ۲۸ سال) دارای شکست عشقی بود که در نیمه نخست سال ۹۸ به مراکز مشاوره مناطق ۵ / ۳ / ۲ / ۱ شهر تهران مراجعه کرده بودند. با توجه به محدود بودن نمونه موردنظر در پژوهش حاضر، برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری داوطلبانه استفاده شد. حجم نمونه برابر با ۲۰۰ نفر بود که به شیوه‌ای که در ادامه اشاره می‌شود، انتخاب شدند. از آنجایی که نمونه موردنظر از دو گروه (مراجع‌کنندگان به مراکز مشاوره و دانشجویان) بودند از این‌رو فرایند انتخاب نمونه‌گیری برای این دو گروه به شکل متفاوتی انجام شد. بدین‌صورت که ابتدا برای انتخاب نمونه از بین دانشجویان، پژوهشگر به

دانشگاه‌های تعیین شده مراجعه و پرسشنامه‌ها مربوطه را بین آن دسته از دانشجویان که از اولین معیارها ورود (نداشتن هرگونه اختلالات روانی) برخوردار بودند، توزیع نمود (به‌منظور مشخص کردن دانشجویان برخوردار از اولین معیارها ورود، پیش از ارائه پرسشنامه، مصاحبه‌ای کوتاه توسط پژوهشگر صورت می‌گرفت و تنها افرادی که بر اساس خوداظهاری فاقد هرگونه اختلالات روانی بودند، انتخاب شدند). در این مرحله ۲۴۶ پرسشنامه گردآوری شد. پس از ارزیابی اولیه پرسشنامه‌ها، ۳۴ پرسشنامه به علت نداشتن سایر معیارهای ورود (دارا بودن حداقل ۱۸ تا ۲۸ سال سن، داشتن مدرک تحصیلی حداقل دیپلم و رضایت آگاهانه به شرکت در پژوهش) و یا کیفیت لازم (عدم پاسخگویی به بیش از ۳ سؤال از هر پرسشنامه و یا نداشتن دقت در تکمیل پرسشنامه‌ها و تکمیل کردن آن‌ها به شیوه به‌صورت تصادفی) حذف شدند و در نهایت ۲۱۲ پرسشنامه انتخاب شد. به‌منظور انتخاب نمونه از بین گروه دوم یعنی مراجع‌کنندگان به مراکز مشاوره بدین شکل عمل شد که ابتدا از بین مراکز مشاوره مراکز ۳ / ۵ تهران، شش مرکز (بر اساس اعلام آمادگی این مراکز برای همکاری) انتخاب شد. سپس پرونده تمامی مراجعینی که به علت تجربه شکست عشقی به این مراکز مراجعه کرده بودند مطالعه شد و بر اساس داده‌های موجود در این پرونده‌ها و تشخیص روان‌شناس / مشاور مربوطه آن پرونده، در مرحله اول ۷۳ مورد شناسایی شد و از طریق فضای مجازی (پیام‌رسان‌ها، ایمیل و ...) پرسشنامه‌های موردنظر برای آن‌ها ارسال شد. ۵۹ پرسشنامه تکمیل و بازگردانده شد. سپس از بین این پرسشنامه‌ها، ۴۹ پرسشنامه که از معیارهای ورود و یا کیفیت لازم برخوردار بودند، انتخاب شدند. در نهایت از مجموع دو گروه ۲۶۱ پرسشنامه (۲۱۲ پرسشنامه دانشجویان و ۴۹ پرسشنامه مراجعه‌کنندگان به مرکز مشاوره)، ۲۰۰ پرسشنامه به‌طور تصادفی انتخاب شد و داده‌های آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. برای گردآوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شد:

پرسشنامه سبک‌های دل‌بستگی هازن و شاور^۱ (AAI): سبک‌های دل‌بستگی مشارکت-کنندگان با استفاده از سیاهه سبک‌های دل‌بستگی بزرگ‌سالان سنجیده شد. این پرسشنامه ۲۱ سؤالی را بشارت (۱۳۹۷) با بهره‌گیری از مواد آزمون دل‌بستگی بزرگ‌سالان هازن و

شاوور (۱۹۷۸) برای ارزیابی سه سبک دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا- اضطرابی ساخته است. در این آزمون برای سنجش هریک از سه سبک دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا- اضطرابی ۷ گویه تعلق می‌گیرد. انطباق گویه‌های پرسشنامه سبک‌های دل‌بستگی (AAI) به این صورت است که هریک از سبک‌ها شامل این گویه‌ها است: سبک نایمن اجتنابی (۵/۴/۳/۲/۱)، ایمن (۱۰/۹/۸/۷/۶) و نایمن دوسوگرا (۱۵/۱۴/۱۳/۱۲/۱۱). این آزمون با استفاده از یک مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود و به «هرگز» نمره ۱ و به «تقریباً همیشه» نمره ۵ تعلق می‌گیرد. بشارت (۱۳۷۹) روایی محتوایی این مقیاس را با سنجش ضرایب همبستگی نمره‌های چهار متخصص روان‌شناسی به‌دست آورد. اجرای هم‌زمان این مقیاس را با سنجش ضرایب همبستگی چهار متخصص روان‌شناسی به‌دست آورد. اجرای هم‌زمان این مقیاس با مقیاس عزت‌نفس کوپراسمیت روایی پرسشنامه سبک‌های دل‌بستگی را تأیید کرد. در پژوهش لطیفیان و دلاورپور (۱۳۹۱) برای احراز پایایی، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که نتایج برای سبک‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۷۷ / ۰/۶۸ / ۰/۷۳ بود.

پرسشنامه نشانگان ضربه عشقی (LTSI): این پرسشنامه خود گزارش‌دهی توسط دهقانی (۱۳۸۹)، به‌منظور ارزیابی علائم سوگ ناشی از فروپاشی روابط رمانتیک تدوین شد. این پرسشنامه ۴۵ ماده دارد و شامل یک مقیاس کلی و سه خرده مقیاس دربرگیرنده علائم شناختی، هیجانی و رفتاری سوگ است (دهقانی و همکاران، ۱۳۸۹). نمره کلی بین یک تا ۲۲۵ است. پرسشنامه در یک طیف لیکرت و ۵ گزینه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. نمره برش پرسشنامه ۱۲۰ و نمره بالا حاکی از شدت نشانگان ضربه عشق است (دهقانی و همکاران، ۱۳۸۹). ارزیابی پایایی پرسشنامه توسط دهقانی (۱۳۸۹) بر روی یک نمونه ۴۹ نفری از دانشجویان به کمک آلفای کرونباخ ۰/۷۹ و از طریق بازآزمایی با فاصله یک هفته ۰/۸۱ به‌دست آمد. در پژوهش توسلی و همکاران (۱۳۹۷) نیز پایایی به کمک روش آلفای کرونباخ ۰/۶۷ محاسبه شده است.

پرسشنامه پنج عاملی شخصیتی نئو (NEO-FFI-60): این پرسشنامه تجدیدنظر شده توسط کوستا و کری (۱۹۸۳) تهیه شده است. یک ابزار خودسنجی ویژگی‌های شخصیتی است که مبتنی بر یک الگوی معروف شخصیتی به نام مدل پنج عاملی است و هدف آن

ارزیابی پنج بعد شامل، روان‌رنجورخویی^۱، برون‌گرایی^۲، گشودگی برای تجربه^۳، توافق-پذیری^۴ و وجدان^۵. مک‌کری و کاستا (۱۹۸۳) پایایی این پرسشنامه را به روش بازآزمایی با فاصله ۳ ماهه برای عوامل روان‌رنجورخویی (۰/۸۳)، برون‌گرایی (۰/۷۵)، گشودگی برای تجربه (۰/۸۰)، توافق‌پذیری (۰/۷۹) و وجدان (۰/۷۹) محاسبه کردند (به نقل از گروسی، ۱۳۸۰). کاستا و مک‌کری (۱۹۹۲) نیز روایی ابزار را به کمک بررسی همبستگی بین گزارش‌های شخصی و ارزیابی همسالان را در یک نمونه ۲۵۰ نفری بررسی نموده و بین ۰/۳۵ تا ۰/۶۵ محاسبه شد.

مقیاس طرح‌واره‌های یانگ (فرم کوتاه): نسخه اصلی مقیاس طرح‌واره‌ها (YSQ)، توسط یانگ (۱۹۹۴) برای اندازه‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه ساخته شده است. همچنین شکل کوتاه پرسشنامه طرح‌واره‌ها (YSQ-SF) برای اندازه‌گیری ۱۵ طرح‌واره ناسازگار اولیه (یانگ، ۱۹۹۸) بر اساس فرم اصلی تهیه شده است. فرم بلند دارای ۲۰۵ عبارت و فرم کوتاه ۷۵ عبارت دارد (یوسفی، ادهمیان و عبدالمحمیدی، ۱۳۹۵). هر عبارت بر روی یک مقیاس ۶ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. در فرم کوتاه، هر طرح‌واره توسط ۵ گویه سنجیده می‌شود و نمره بالا نشان‌دهنده طرح‌واره ناسازگار اولیه در آن زمینه است. پژوهش‌های اویی و بارانف (۲۰۰۷)؛ لی، تاپلور و دان (۱۹۹۹)، ریچ کبور و واندربرگ (۲۰۰۶)؛ صدوقی، وفایی طباطبایی، اصفهانیان (۱۳۸۷)؛ آهی، محمدی‌فر و بشارت (۱۳۸۶) ساختار عاملی و روایی و سازه آن را تأیید کرده‌اند. ذوالفقاری، فاتحی‌فر و عابدی (۱۳۸۷) فرم کوتاه پرسشنامه طرح‌واره یانگ را بر روی ۷۰ نفر از زوجین اجرا کردند. در پژوهش آن‌ها ضریب پایایی پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۴ و برای پنج حوزه آن به این شرح به دست آمد: بریدگی و طرد ۰/۹۱، خودگردانی و عملکرد مختل ۰/۹۰، محدودیت‌های مختل ۰/۷۳، دیگر جهت‌مندی ۰/۶۷، گوش به زنگی بیش‌ازحد و بازدارندگی ۰/۷۸.

1. Neuroticism
2. Extraversion
3. Openness
4. Agreeableness
5. Conscientiousness

پرسشنامه ادراک والدین گروولینیک^۱ (POPS): متغیر الگوهای فرزندپروری با مقیاس ادراک از والدین که توسط گروولینیک و دسی و ریان^۲ (۱۹۹۷) تدوین شده است، مورد سنجش قرار گرفت. این مقیاس دارای دو نسخه کودکان و دانشجویان کالج است. در این پژوهش از نسخه دوم که متناسب با سال‌های جوانی و بالاتر طراحی شده است، استفاده شده است. این مقیاس ۲۲ گویه‌ای دارای ۲ بخش پدر و مادر است (۲۱ گویه برای هر کدام) که کاملاً مشابه هم هستند. ساختار عاملی این مقیاس بر اساس نظر سازندگان، مؤلفه‌های درگیر یا اشتغال، حمایت از خودمختاری و گرمی را برای هر یک از والدین در بر دارد که در مجموع شش عامل را تشکیل می‌دهند. بررسی‌های انجام شده در ایران به‌منظور تعیین ساختار عاملی مقیاس ادراک والدین نشان می‌دهند که این مقیاس، همخوان با نتایج گزارش شده توسط سازندگان، متشکل از سه خرده مقیاس درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی برای هر یک از والدین است (رحمانی، یارمحمدزاده و حبیبی کلپیر، ۱۳۹۶؛ شیرزادی فرد، ۱۳۹۰؛ باباخانی، ۱۳۹۰). نتایج پژوهش‌های مذکور روایی سازه این مقیاس را برای جامعه ایرانی مورد تأیید قرار می‌دهند. ضرایب آلفای به-دست آمده در این پژوهش بر روی ۳۰ نفر برای خرده مقیاس‌های درگیری مادر، گرمی مادر و خودمختاری مادر به ترتیب برابر ۰/۷۳ / ۰/۷۹ / ۰/۷۱ و برای خرده مقیاس‌های درگیری پدر، گرمی پدر و خودمختاری پدر به ترتیب برابر با ۰/۷۴ / ۰/۷۵ / ۰/۷۲ به دست آمد.

مقیاس چندبعدی حمایت اجتماعی ادراک شده (MSPSS): یک ابزار خودگزارش دهی است که توسط زیمت، دالم، زیمت و فارلی^۳ (۱۹۸۸) و به‌منظور سنجش حمایت اجتماعی ادراک شده از طرف خانواده، دوستان و افراد معنادار دیگر در زندگی طراحی شده است. این مقیاس شامل ۱۲ گویه است که در طیف لیکرت از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۷) و به‌صورت مستقیم نمره گذاری می‌شود. این مقیاس علاوه بر نمره کل، ۳ نمره دیگر نیز برای حمایت خانواده، حمایت دوستان و حمایت افراد مهم در زندگی فرد به‌دست می‌دهد. برای به‌دست آوردن نمره کل این مقیاس، نمره همه گویه‌ها با هم جمع شده و بر تعداد آن‌ها (۱۲) تقسیم می‌شود. نمره هر زیر مقیاس نیز از حاصل جمع

1. Perception Of Parents Scale (POPS)

2. Grolnick, Deci, & Ryan

3. Zimet, Dahlem, Zimet & Farley

نمرات گویه‌های مربوط به آن تقسیم بر تعداد گویه‌های آن زیر مقیاس (۴) به دست می‌آید. در پژوهش سلیمی، جوکار و نیک‌پور (۱۳۸۸) ضریب پایایی آن به روش آلفای کرونباخ برای هر یک از ابعاد به ترتیب ۰/۸۶ / ۰/۸۶ / ۰/۸۲ / ۰/۸۲ محاسبه شد. در پژوهش علیپور، علی-اکبری‌دهکردی، امینی و هاشمی جشنی (۱۳۹۵) نیز پایایی برای نمره کلی حمایت اجتماعی ادراک‌شده و هر سه بعد دوستان، خانواده و شخص را به ترتیب ۰/۸۹ / ۰/۹۴ / ۰/۹۰ گزارش کرد.

داده‌های به دست آمده از اجرای پژوهش، با استفاده از روش‌های آمار توصیفی (نمودار، میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (تحلیل مسیر) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. کلیه عملیات تجزیه و تحلیل آماری، به کمک نرم‌افزار SPSS²³ و LISREL انجام شد.

یافته‌ها

نتایج بررسی متغیر جنسیت شرکت‌کنندگان در پژوهش حاکی از آن بود که از بین شرکت‌کنندگان ۷۰ نفر مرد (۳۵٪)، ۹۰ نفر زن (۴۵٪) بودند؛ همچنین تعداد ۴۰ نفر (۲۰٪) نیز به این سؤال پاسخ نداده بودند. در جدول زیر مشخصه‌های توصیفی متغیرهای پژوهش گزارش شد.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد
نمره کل حمایت اجتماعی ادراک‌شده	۳۵/۶۸	۸/۵۷	ضریب عشق	۱۳/۸۵	۳/۹۱۶
حمایت اجتماعی ادراک‌شده خانواده	۱۲/۵۶	۳/۴۵	اشتغال مادر به فرزند	۲۶/۵۶	۷/۰۳۵
حمایت اجتماعی ادراک‌شده دوستان	۱۲/۰۷	۴/۰۲	حمایت خودمختاری مادر	۴۰/۶۶	۹/۰۲۲
حمایت اجتماعی ادراک‌شده دیگران	۱۱/۰۴	۴/۳۷۳	گرمی مادر	۲۹/۱۳	۷/۲۷۲

حمایت اجتماعی ادراک‌شده

الگوهای فرزندپروری

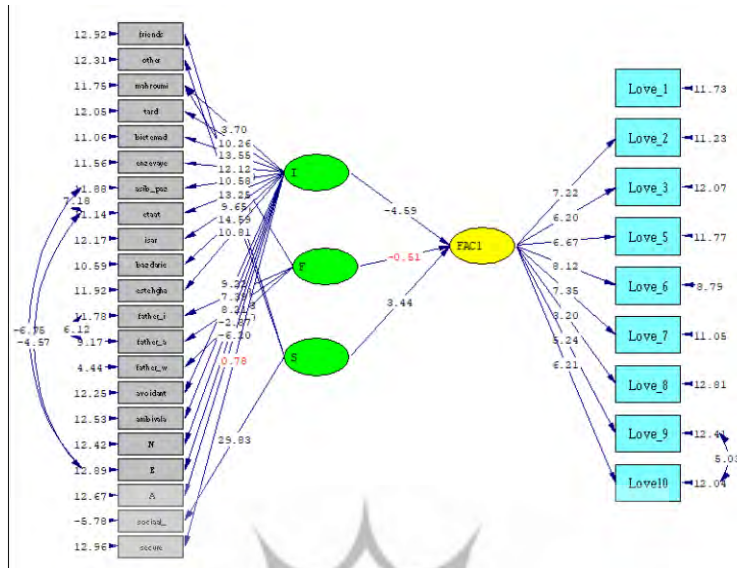
۷/۰۳۹	۲۳/۱۶	اشتغال پدر به فرزند	۶/۱۳	۱۶/۱۸	محرومیت هیجانی
۱۱/۵۳	۳۷/۰۰	حمایت خودمختاری پدر	۶/۹۰	۱۶/۱۳	طرد رهاشدگی
۷/۵۲	۲۶/۸۷	گرمی پدر	۵/۹۹	۱۶/۰۸	بی-اعتمادی-بدرفتاری
۸/۲۸	۴۲/۲۵	نمره کل سبک دل‌بستگی	۵/۷۱	۱۳/۴۹	انزوای اجتماعی
۴/۳۶	۱۳/۵۳	دل‌بستگی اجتنابی	۵/۸۷	۱۲/۴۰	نقص شرم
۳/۲۶	۱۴/۹۵	دل‌بستگی ایمن	۵/۹۹	۱۳/۰۹	شکست
۴/۲۶	۱۳/۹۱	دل‌بستگی دوسوگرا	۶/۴۶	۱۲/۱۰	وابستگی بی‌کفایتی
۷/۳۵	۲۵/۱۶	روان- رنجورخویی	۶/۷۶	۱۳/۸۸	آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری
۵/۷۹	۱۹/۲۵	برونگرایی	۵/۶۹	۱۳/۸۵	گرفتاری در دام افتادگی
۴/۴۲۳	۱۴/۸۰	باز بودن	۵/۸۷	۱۴/۵۷	اطاعت
۴/۷۳	۱۳/۷۹	توافق‌گرایی	۵/۸۰	۱۸/۱۴	ایثار
۶.۸۸	۲۶/۶۰	وجدانی بودن	۶/۱۹	۱۵/۸۳	بازداری هیجانی
			۵/۵۹	۱۸/۰۵	معیارهای نامتعطف
			۵/۱۸	۱۷/۵۲	استحقاق
					خویش‌داری
			۴/۸۲	۱۴/۷۸	خودانضباطی

طرح‌واره‌ها

سبک‌ها
دل‌بستگی

سبک‌ها
دل‌بستگی

در بررسی این فرضیه که مدل ساختاری عوامل مؤثر فردی، خانوادگی، اجتماعی شکست عشقی از برآزش لازم برخوردار است. نتایج جدول شاخص‌های برآزش مدل (جدول ۲) نشان می‌دهد که به‌جز χ^2 دو که مقادیر غیر معنادار آن نشان از برآزش مطلوب مدل است (در حجم‌های بالا معمولاً از مقادیر معنادار χ^2 دو چشم‌پوشی می‌شود و به باقی شاخص‌های برآزش توجه می‌شود). در نهایت این‌طور نتیجه گرفته می‌شود که مدل موردنظر مدل مطلوبی است که از برآزش قابل قبولی برخوردار است.



شکل ۲. مدل مقادیر تی

جدول ۱. شاخص‌های برازش مدل

شاخص	مجدور	سطح	درجه	ریشه خطای	شاخص	شاخص	شاخص
برازش	خی	معنی داری	آزادی	میانگین	مجدورات	نیکویی	تعدیل شده
			تقریب	میانگین	نیکویی	نیکویی	نیکویی
				مجدورات	برازش	تطبیقی	برازش
عنوان آماری	X ²	P	Df	RMSEA	GFI	AGFI	CFI
حد مطلوب	غیر معنادار	≤ ۰/۰۸	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۹۲
برآورد	۱۶۲۳/۴۳	۰/۰۰	۳۹۹	۰/۰۹	۰/۹	۰/۸۹	۰/۹

در راستای بررسی فرضیه اول پژوهش نتایج بررسی مدل (جدول ۳) حاکی از آن بود که اثر عوامل فردی بر ضربه عشقی دارای اثر ۰/۳۵- بود که با مقدار تی ۴/۵۹- در سطح معنی داری ۰/۰۱ از نظر آماری معنی دار بود؛ به عبارتی فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه عوامل فردی ضربه عشقی را پیش‌بینی می‌کنند و بر آن تأثیر دارند تأیید شد.

جدول ۳. ضریب مسیر (اثر مستقیم)

مسیر	ضریب مسیر (اثر مستقیم)
عوامل فردی -> ضربه عشق	۰/۳۵- (۴/۵۹-)

در ارتباط فرضیه دوم یعنی عوامل خانوادگی بر شکست عشقی، ضریب مسیر به‌دست آمده برابر با ۰/۰۴- بود که با مقدار تی ۰/۵۱- از نظر آماری معنی‌دار نبود (جدول ۱۵)؛ بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه عوامل خانوادگی بر شکست عشقی تأثیر دارند رد شد.

جدول ۴. ضریب مسیر (اثر مستقیم)

مسیر	ضریب مسیر (اثر مستقیم)
عوامل خانوادگی -> ضربه عشق	۰/۰۴- (۰/۵۱-)

در بررسی سوم پژوهش نتایج ضریب مسیر (جدول ۵) حاکی از آن بود که مقدار ضریب به‌دست آمده برابر با مقدار ۰/۱۷ بود که با مقدار آماره تی برابر با ۳/۴۴ در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ از نظر آماری معنی‌دار بود؛ بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه عوامل اجتماعی و شکستش که تأثیر دارند تأیید شد.

جدول ۵. ضریب مسیر (اثر مستقیم)

مسیر	ضریب مسیر (اثر مستقیم)
عوامل اجتماعی -> ضربه عشق	۰/۱۷ (۳/۴۴)

در ارتباط با فرضیه چهارم پژوهش یعنی تأثیر ترکیب عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی بر شکست عشقی نتایج بررسی ضرایب (جدول ۶) حاکی از آن بود که اثر مستقیم حمایت اجتماعی بر ضربه عشقی برابر با ۰/۲۹ بود و مقدار آماره تی برابر با ۵/۴۶ بود که حاکی از این است که این مسیر در سطح ۰/۰۱ از نظر آماری معنی‌دار است. محرومیت هیجانی دارای اثر مستقیم بر ضربه عشقی نبود؛ همچنین اثر غیرمستقیم آن نیز بر ضربه عشقی از نظر آماری معنی‌دار نبود؛ اثر مستقیم طرد ضربه عشقی برابر با ۰/۰۸- و اثر غیرمستقیم برابر با ۰/۰۲ و اثر کل برابر با منفی ۰/۳۶ بود که هیچ‌یک از این اثرها از نظر آماری معنی‌دار نبودند. اثر مستقیم بی‌اعتمادی بر ضربه عشقی برابر با ۰/۱۲- بود که در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ از نظر آماری معنی‌دار بود یعنی مقدار آماره تی به‌دست آمده برابر با ۱/۹۸- و اثر غیرمستقیم نیز برابر ۰/۰۶- بود که از نظر آماری معنی‌دار نبود بر این اساس اثر

کل برابر بود با $0/18-$ که در سطح معنی‌داری $0/01$ یعنی آماره تی برابر با $2/91$ از نظر آماری معنی‌دار بود. اثر غیرمستقیم انزوای اجتماعی بر ضربه عشق از نظر آماری معنی‌دار نبود. آسیب‌پذیری نسبت به بیماری بر ضربه عشق دارای اثر مستقیم، اثر غیرمستقیم و کل معنی‌داری نبود. اثر غیرمستقیم اطاعت بر ضربه عشقی از نظر آماری معنی‌دار نبود. اثر مستقیم، غیرمستقیم و کل ایثار بر ضربه عشقی از نظر آماری معنی‌دار نبود. اثر مستقیم بازدارنده هیجانی بر ضربه عشقی برابر با مقدار $0/23$ با مقدار آماره تی برابر با $3/73$ در سطح معناداری $0/01$ از نظر آماری معنی‌دار بود. اثر غیرمستقیم آن برابر با $0/31-$ بود که از نظر آماری معنی‌دار نبود، همچنین اثر کل برابر با $0/22$ که در سطح معنی‌داری $0/01$ از نظر آماری معنی‌دار بود. اثر غیرمستقیم و کل استحقاق و ضربه عشق از نظر آماری معنی‌دار نبود. اثر مستقیم اشتغال پدر به فرزند بر ضربه‌ای برابر با $0/11$ که با مقدار آماره تی $2/13$ در سطح معنی‌داری $0/05$ از نظر آماری معنی‌دار بود. اثر غیرمستقیم و اثر کل اشتغال پدر به فرزند از نظر آماری معنی‌دار نبودند. اثر غیرمستقیم اثر کل حمایت از خودمختاری پدر بر ضربه عشق از نظر آماری معنی‌دار نبود. اثر مستقیم گرمی پدر بر ضربه عشقی برابر با مقدار $0/14$ بود که با مقدار آماره تی $2/57$ در سطح $0/05$ از نظر آماری معنی‌دار بود. اثر غیرمستقیم و اثر کل گرمی پدر بر ضربه عشق از نظر آماری معنی‌دار نبود. اثر غیرمستقیم و کل دل‌بستگی اجتنابی بر ضربه عشقی از نظر آماری معنی‌دار نبود. اثر مستقیم و غیرمستقیم دل‌بستگی ایمن بر ضربه عشقی از نظر آماری معنی‌دار نبود. اثر کلی حاصل جمع اثر مستقیم و غیرمستقیم است که برابر با مقدار $0/12$ بود که با مقدار آماره تی $2/51$ در سطح معنی‌داری $0/05$ از نظر آماری معنی‌دار بود. اثر مستقیم دل‌بستگی دوسوگرا بر ضربه عشقی برابر با منفی $0/11-$ بود که با مقدار آماره تی $2/25-$ از نظر آماری معنی‌دار بود. اثر غیرمستقیم و اثر کل دارای اثر معنی‌داری نبودند. روان‌رنجورخویی بر ضربه عشقی دارای اثر $0/31-$ بود که با مقدار آماره تی $6/18-$ در سطح معناداری $0/01$ از نظر آماری معنی‌دار بود و اثر غیرمستقیم از نظر آماری معنی‌دار نبود؛ اثر کل برابر بود با $0/3-$ که در سطح معنی‌داری $0/01$ از نظر آماری معنی‌دار بود. اثر مستقیم برونگرایی بر ضربه عشقی برابر با $0/15$ بود که با مقدار آماره تی $2/81$ در سطح معنی‌داری $0/01$ معنی‌دار بود. اثر غیرمستقیم از نظر آماری معنی‌دار نبود؛ اثر کل برابر با $0/19$ بود که در سطح معنی‌داری $3/35$ از نظر آماری معنی‌دار بود. اثر مستقیم توافق بر ضربه عشق برابر با $0/14$ بود و مقدار

آماره تی برابر با $۲/۳۴$ بود در سطح معنی‌داری $۰/۰۵$ از نظر آماری معنی‌دار بود. اثر غیرمستقیم از نظر آماری معنی‌دار نبود اما اثر کل برابر با مقدار $۰/۱۵$ و مقدار آماره تی برابر با $۲/۴۹$ بود که در سطح معنی‌داری $۰/۰۵$ از نظر آماری معنی‌دار بود.

جدول ۶. ضرایب مسیر، اثرات غیرمستقیم و اثر کل متغیرهای پژوهش

مسیر	ضریب مسیر (اثر مستقیم)	اثرات غیرمستقیم	اثر کل
حمایت اجتماعی -> ضربه عشقی	$(۵/۴۶)۰/۲۹$		$(۵/۴۶)۰/۲۹$
محرومیت هیجانی -> ضربه عشقی	$(-۱/۸۱)۰/۰۶$	$(-۱/۸۱)۰/۰۶$	$(-۱/۸۱)۰/۰۶$
طرد -> ضربه عشقی	$(-۱/۴۶)۰/۰۸$	$(۱/۳۵)۰/۰۲$	$(-۰/۹۹)۰/۰۶$
بی‌اعتمادی -> ضربه عشقی	$(-۱/۹۸)۰/۰۱۲$	$(-۱/۸۷)۰/۰۰۶$	$(-۲/۹۱)۰/۰۱۸$
انزوای اجتماعی -> ضربه عشقی	$(۰/۸۹)۰/۰۲$	$(۰/۸۹)۰/۰۲$	$(۰/۸۹)۰/۰۲$
آسیب‌پذیری نسبت به بیماری -> ضربه عشقی	$(-۱/۴۵)۰/۰۱$	$(۰/۱۶)۰/۰۰$	$(-۱/۳۳)۰/۰۰۹$
اطاعت -> ضربه عشقی	$(-۱/۰۳)۰/۰۰۷$	$(-۱/۰۳)۰/۰۰۷$	$(-۱/۰۳)۰/۰۰۷$
ایثار -> ضربه عشقی	$(-۱/۸۱)۰/۰۰۹$	$(۰/۶۴)۰/۰۰۱$	$(-۱/۵۵)۰/۰۰۴$
بازداری هیجانی -> ضربه عشقی	$(۳/۷۳)۰/۰۲۳$	$(-۰/۴۷)۰/۰۰۱$	$(۳/۴۱)۰/۰۲۲$
استحقاق -> ضربه عشقی	$(۰/۸۵)۰/۰۰۱$	$(۰/۸۵)۰/۰۰۱$	$(۰/۸۵)۰/۰۰۱$
اشتعال پدر به فرزند -> ضربه عشقی	$(۲/۱۳)۰/۰۱۱$	$(-۱/۵۸)۰/۰۰۳$	$(۱/۴۶)۰/۰۰۸$
حمایت از خودمختاری پدر -> ضربه عشقی	$(۱/۹۴)۰/۰۰۵$	$(۱/۹۴)۰/۰۰۵$	$(۱/۹۴)۰/۰۰۵$
گرمی پدر -> ضربه عشقی	$(-۲/۵۷)۰/۰۱۴$	$(۱/۹۹)۰/۰۰۴$	$(-۱/۶۹)۰/۰۰۱$
دل‌بستگی اجتنابی -> ضربه عشقی	$(۰/۴)۰/۰۰۱$	$(۰/۴)۰/۰۰۱$	$(۰/۴)۰/۰۰۱$
دل‌بستگی ایمن -> ضربه عشقی	$(۱/۱۷)۰/۰۰۵$	$(۱/۵۴)۰/۰۰۶$	$(۲/۵۱)۰/۰۱۲$
دل‌بستگی دوسوگرا -> ضربه عشقی	$(-۲/۲۵)۰/۰۱۱$	$(۱/۵۱)۰/۰۰۲$	$(-۱/۷)۰/۰۰۹$
روان‌رنجورخویی -> ضربه عشقی	$(-۶/۱۸)۰/۰۳۱$	$(۰/۱۴)۰/۰۰$	$(-۵/۸۸)۰/۰۰۳$
برونگرایی -> ضربه عشقی	$(۲/۸۲)۰/۰۱۵$	$(۲/۰۲)۰/۰۰۴$	$(۳/۳۵)۰/۰۱۹$
توافق -> ضربه عشقی	$(۲/۳۴)۰/۰۱۴$	$(۰/۸۸)۰/۰۰۲$	$(۲/۴۹)۰/۰۱۵$

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که تأثیر کلی عوامل فردی یعنی سه عامل ویژگی‌های شخصیتی، سبک دل‌بستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و همچنین عامل اجتماعی یعنی متغیر حمایت اجتماعی ادراک شده بر شکست عشقی دختران و پسران شهر تهران معنادار بوده است. در ارتباط با فرضیه دوم یعنی عامل خانوادگی یا همان الگوهای فرزندپروری در مطالعه حاضر، نتایج مدل معادلات ساختاری نشان داد که تأثیر کلی این متغیر بر شکست

عشقی معنادار نبوده است. با این حال، تحلیل دقیق و بیشتر آن که در قالب فرضیه چهارم و بر اساس مدل تحلیل مسیر انجام شد، نشان داد که از بین خرده مقیاس‌های الگوهای فرزندپروری، دو مؤلفه اشتغال پدر به فرزند و گرمی پدر اثر معناداری بر شکست عشقی دختران و پسران داشته است. همچنین بررسی فرضیه پنجم نیز نشان داد که مدل آزمون شده، مدل مطلوبی است و از برازش قابل قبولی برخوردار است. با این توضیح، در ادامه نقش هر یک از متغیرها و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکست عشقی دختران و پسران، تبیین و تفسیر می‌شود.

مطالعه حاضر نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی افراد بر شکست عاطفی دختران و پسران آنان تأثیر دارد که این یافته با نتایج پژوهش‌های پیشین (مصباحی و همکاران، ۱۳۹۸؛ لطفی و همکاران، ۱۳۹۵؛ تیم، ۲۰۱۰؛ سروقد، ۲۰۱۰؛ اشمیت و همکاران، ۲۰۰۹؛ گنزاگا و همکاران، ۲۰۰۷؛ کارخانه و همکاران، ۱۳۹۳؛ هسلم، ۲۰۰۴؛ هیون و همکاران، ۲۰۰۴؛ اینگل و همکاران، ۲۰۰۲) همسو است و ویژگی‌های شخصیتی در شکل‌گیری و حفظ رابطه صمیمی، به‌ویژه در انتخاب همسر و شکست روابط عاطفی نقش مهم دارند. به‌طوری‌که اجزای مهم تشکیل‌دهنده شخصیت چون انگیزه‌ها، توانایی‌ها، تمایلات، باورها و افکار در تحمل یا عدم تحمل شکست عاطفی ناشی از عشق، تأثیرگذار است (مظفری و همکاران، ۱۳۹۲). به‌عبارت‌دیگر، تفاوت‌های فردی و ویژگی‌های شخصیتی متفاوت، می‌تواند واکنش متفاوتی را از سوی افراد در مواجهه با موقعیت‌های فشارزا متبادر سازد (سروقد، ۲۰۱۰).

در بررسی ترکیب عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی در مدل (فرضیه چهارم) مشخص شد که در بین صفات شخصیت مرتبط با مسئله ضربه عشق، عامل روان-رنجورخوبی بالاترین سهم را در پیش‌بینی متغیر ملاک داشت. پرواضح است که تیپ شخصیتی روان رنجور استعداد و آسیب‌پذیری بالایی به پدیده فقدان و پیامدهای ناشی از آن خواهد داشت. شخصیت‌های روان‌رنجور معمولاً در روابط بین فردی، به‌ویژه روابط نزدیک و صمیمی حالت‌های نوسانی مختلفی را تجربه می‌کنند. راس (۱۹۹۹) معتقد است که افراد روان‌رنجور با حالاتی نظیر اضطراب، افسردگی و بدبینی به ضربه عشق واکنش نشان می‌دهند و احتمالاً قطع رابطه و شکست عشقی را به‌عنوان بازتابی از بی‌کفایتی خودشان تفسیر می‌نمایند؛ اما نکته قابل توجه و تأمل ارتباط بین عامل توافق‌پذیری و

نشانگان ضربه عشق بود. عامل فوق با صفاتی نظیر نوع دوستی، همدلی، گرایش به همکاری مشخص می‌شود و محتمل‌ترین تبیین این می‌تواند باشد که تعهد و همدلی بسیار بالا به روابط بین فردی، به‌ویژه در رابطه با جنس مخالف، بازتابی از این عامل زیربنایی شخصیت باشد که هرگونه جدایی و فقدان را دال بر عدم نوع دوستی و همدلی تلقی می‌نماید. احتمالاً یک فرد روان‌رنجور با مسئولیت‌پذیری بالا، دارای این تلقی نادرست از رابطه عاشقانه است که رابطه باید به هر قیمت و شرایطی حفظ گردد و تداوم یابد.

تحلیل داده‌ها مطالعه حاضر نشان داد که افراد با ویژگی‌ها برونگرایی در شکست عشقی پیامدهای هیجانی و عاطفی منفی‌تری را تجربه می‌کنند که دلیل این امر را باید در ویژگی‌های افراد برونگرا جستجو کرد. چرا که در مقابل افراد درون‌گرا که آرام و خجالتی‌اند، برونگرایان افرادی اجتماعی، معاشرت‌پذیر و خونگرم هستند (اسمایلی، دیانگ و هال، ۲۰۱۵). همچنین برونگرایی با سه جنبه معاشرتی بودن یا لذت‌بردن از دیگران و موقعیت‌های اجتماعی، جسارت یا گرایش به تسلط اجتماعی و ماجراجویی یا گرایش به جستجوی موقعیت‌های هیجان‌برانگیز و تحریک‌کننده در ارتباط است؛ بنابراین طبیعی است که تجربه شکست عشقی پیامدهای منفی و هیجانی شدیدتری را برای این افراد به دنبال داشته باشد و این شکست عشقی منجر به آسیب‌های جدی‌تر مانند ضربه عشقی در این افراد شود.

یکی دیگر از متغیرهایی که در مطالعه حاضر به عنوان یکی از عوامل فردی مورد بررسی قرار گرفت، سبک‌های دل‌بستگی بود. همان‌طور که مشاهده شد، نتایج نشان داد که این متغیر بر شکست عاطفی دختران و پسران تأثیر دارد که این یافته با نتایج پژوهش‌های پیشین (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۶؛ مک‌دونالد و همکاران، ۲۰۱۶؛ اولدرباک و فیگورادو، ۲۰۰۹؛ عسکری، ۱۳۹۵؛ امان‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۵؛ الدر بک و فیگورادو، ۲۰۰۹؛ شارانیا و ایکس، ۲۰۰۷) همسو است. بر اساس نظریه دل‌بستگی، در دوران کودکی، افراد بسته به در دسترس بودن و پاسخگویی مراقب اصلی خود، یک سبک دل‌بستگی را تشکیل می‌دهند و این الگوی دل‌بستگی به روابط بزرگ‌سالی منتقل می‌شود و با نوع عشق ورزیدن افراد در ارتباط است (هنری و صارمی، ۲۰۱۵؛ نقل از امان‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۵). مطالعه حاضر نشان داد که سبک دل‌بستگی ایمن با نشانگان ضربه عشق تأثیر داشت و توانست آن را پیش‌بینی نماید. به نظر می‌رسد افرادی که دارای سبک دل‌بستگی نایمن

(مانند دوسوگرا) هستند، بیشتر از افرادی که دارای سبک ایمن هستند، دچار شکست‌های عاطفی و عشقی می‌شوند. چرا وضعیت این‌گونه است؟ صاحب‌نظران نظریه دل‌بستگی اعتقاد دارند که کیفیت تجربه فقدان، انعکاسی از کیفیت روابط دل‌بستگی اولیه فرد است (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۰). افراد در سراسر زندگی خود عشق و فقدان را تجربه می‌کنند. تجربه هر فقدانی را می‌توان باز فراخوانی و حل‌وفصل مجدد فرایند جدایی تفرد دانست. درواقع، سوگ عاشقانه افراد دچار را به هسته اصلی خودشان برمی‌گرداند و سناریو مهم و تأثیرگذار روابط با افراد مهم زندگی اولیه را زنده می‌سازد. به نظر می‌رسد هرچه قدر فرد از سبک دل‌بستگی ایمن فاصله می‌گیرد، نایمندی وی در روابط بین فردی، به‌ویژه در روابط نزدیک و صمیمی بیشتر می‌شود. پژوهش‌های متعددی وجود دارند که تأیید کرده‌اند سبک دل‌بستگی نایمن با مشکلات و ناراحتی‌ها در روابط عاشقانه مرتبط است (مک کارتی و موگان، ۲۰۱۰؛ اولدربک و فیگوردو، ۲۰۰۹؛ امیری‌پیچاکلایی و همکاران، ۱۳۹۱).

تحلیل داده‌ها نشان داد که سبک دل‌بستگی اجتنابی تأثیر بر ضربه عشقی ندارد که این یافته با نتایج مطالعات پیشین (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۶؛ امان‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۵) ناهمسو است. پیش‌بینی می‌شد از آنجایی که این افراد فاصله عاطفی خود را با دیگران حفظ می‌کنند و به خاطر رفتارهای طردکننده‌ای که در دوران کودکی از طرف مراقبانشان تجربه کرده‌اند، از برقراری روابط صمیمی خودداری می‌کند (چون معتقدند در نهایت آن‌ها طرد می‌شوند) (امان‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۵) بر شکست عشقی تأثیر داشته باشد که این تأثیر دیده نشد.

طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه یکی دیگر از متغیرهای مربوط به عوامل فردی در این پژوهش بود. همان‌طور که اشاره شد، نتایج نشان داد که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بر شکست عشقی دختران و پسران تأثیر معنادار دارد که این یافته با مطالعات پیشین (قاضی نژاد و آسایش، ۱۳۹۹؛ ایکن، ۲۰۱۷؛ ایوانی و همکاران، ۱۳۹۳؛ آرنتر و جیکوب، ۲۰۱۳؛ تیم، ۲۰۱۰؛ مک-درموت، ۲۰۰۸؛ مسمن-مور و کواتس، ۲۰۰۷) همسو است. طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه به‌عنوان باورهای بنیادین و زیربنایی، نقش مهمی در تعبیر و تفسیر رویدادهای زندگی هر فرد دارند. به‌عبارت‌دیگر افراد، دنیا و تجارب زندگی خودشان را از چشم‌انداز طرح‌واره می‌نگرند. در واقع طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، به

آسیب‌پذیری فرد برای انواع مختلف آشفتگی‌های روانی و شخصیتی منجر می‌شود. همین امر مانعی برای رضایت از زندگی و رابطه خواهد بود. از آنجا که طرح‌واره‌های ناسازگار، ناکارآمد هستند، ناخشنودی از روابط را در پی دارند و زمینه را برای شکست عاطفی فراهم می‌کنند. مطالعه حاضر نشان داد که طرح‌واره بی‌اعتمادی/بدرفتاری به‌طور مستقیم بر ضربه عشقی دختران و پسران تأثیر دارد. این یافته را می‌توان با بررسی ویژگی‌های افراد با طرح‌واره بی‌اعتمادی/بدرفتاری تبیین نمود. در نظر افراد دارای این طرح‌واره، دنیا بسیار جای ناامن و بدی است زیرا دیگران مدام سعی در آسیب‌زدن، فریب‌دادن، دروغ‌گفتن، به‌بازی گرفتن، یا امتیاز گرفتن از آدم هستند. فرد با طرح‌واره بی‌اعتمادی/بدرفتاری معتقد است که دیگران به هر طریقی که شده از وی سوءاستفاده خواهند کرد. مهم‌ترین ویژگی این افراد این است که گمان می‌کنند دیگران عمداً و از روی قصد دست به این کارها می‌زنند. چنین افرادی همیشه حس یک آدم فریب‌خورده را دارند (کلاگ و یانگ، ۲۰۰۶)؛ بنابراین روشن است زنان و دخترانی که دارای چنین طرح‌واره‌ها یا باورهای هستند، علاوه بر اینکه در روابط عاطفی خود با دیگران با احتمال بیشتری با شکست مواجه می‌شوند، بلکه هیجانات منفی شدیدتری را به خاطر فروپاشی روابط عاشقانه تجربه خواهند کرد و در واقع نشانگان ضربه عشق در این گروه شدیدتر و بارزتر خواهد بود چراکه این افراد با چنین باورهایی، حتی در پیدا کردن یک رابطه عاطفی جدید در آینده نیز ناامید هستند و به خاطر این تجربه منفی، افکار خودآیند منفی در آنها بیشتر از گذشته شدت می‌یابد و این باور منفی را در خود تقویت می‌کنند که حتی در آینده نیز نمی‌توانند یک ارتباط عاطفی و عاشقانه پایدار را تجربه کنند.

یافته دیگر پژوهش حاضر این بود که طرح‌واره بازداری هیجانی نیز به‌طور مستقیم بر ضربه عشقی دختران و پسران تأثیر دارد. بازداری هیجانی شامل بازداری از فعالیت‌ها، احساسات و روابط خودانگیخته می‌شود که غالباً با هدف اجتناب از عدم تأیید توسط دیگران، احساسات شرم، یا از دست دادن کنترل بر تکانه‌ها صورت می‌گیرد. افراد با طرح‌واره بازداری هیجانی از بروز هیجان‌ها و تکانه‌های خود جلوگیری می‌کنند به این علت که معتقد است هرگونه ابراز احساسات به دیگران آسیب خواهد زد و یا منجر به شرم، انتقام‌جویی، رها شدن می‌شود. در چنین افرادی، فقدان خودانگیختگی دیده می‌شود و مدام بر عقلانی بودن تأکید می‌کنند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). این افراد برای جبران این ویژگی

یا ناتوانی خود، اغلب درگیر رابطه عاشقانه با فردی می‌شوند که هیجانی و تکانشی است (مک‌درموت، ۲۰۰۸) وقتی که افراد بازداری شده با افراد هیجانی ازدواج می‌کنند، ممکن است گذشت زمان زوجین را به سمت قطبی شدن بیشتر بکشاند که در نهایت منجر به جدایی (طلاق) یا شکست عاطفی می‌انجامد. از طرفی، افرادی که هیجانانگیز یا احساسات خود را بروز نمی‌دهند در کنار آمدن با تجربه‌های منفی (مانند شکست عشقی) موفق عمل نمی‌کنند (مک‌درموت، ۲۰۰۸) و در نتیجه شکست عاطفی، هیجانانگیز و مشکلات روان‌شناختی بیشتری را تجربه می‌کنند؛ بنابراین با توجه به نقش و تأثیر معنادار و مهم طرح‌واره‌های ناسازگار در شکست عشقی دختران و پسران پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های درمانی و یا در برگزاری دوره‌های درمانی برای افراد با تجربه شکست عشقی، به نقش این متغیر توجه شود. به‌ویژه این که پژوهش‌هایی وجود دارند (حمیدپور و اندوز، ۱۳۸۷؛ دهقانی و همکاران، ۱۳۸۹) که نشان می‌دهند مداخلات طرح‌واره محور و همچنین روان‌پویشی می‌توانند در بهبود وضعیت مبتلایان به نشانگان ضربه عشق اثربخش و سودمند باشد. متغیر حمایت اجتماعی ادراک شده از دیگر متغیرهایی است که نقش آن به عنوان یک عامل اجتماعی بر شکست عشقی مورد بررسی قرار گرفت. همان‌طور که مشاهده شد، نتایج نشان داد که حمایت اجتماعی ادراک شده بر شکست عشقی دختران و پسران شهر تهران تأثیر معنادار دارد که این یافته با نتایج پژوهش‌های پیشین (حسینی، رحمانی و نوری، ۲۰۱۶؛ مقدم فر و شاه نظری، ۲۰۱۶؛ فهیمی، عظیمی، اکبری، امیری پیرچاکلابی و پورشریفی، ۱۳۹۳؛ بشارت، کشاورز، غلامعلی لواسانی و عربی، ۱۳۹۳؛ استوری و همکاران، ۲۰۰۵؛ سوئرز و همکاران، ۲۰۰۰) همسو است. با توجه به ماهیت فشارزا بودن شکست عاطفی، به دلیل از دست دادن حمایت مادی، تأییدی، عاطفی و تماس اجتماعی فرد از نزدیک‌ترین منبع عاطفی، این کسری تا حدود زیادی از طریق حمایت اجتماعی از سوی خانواده و دوستان جبران خواهد شد که می‌تواند به عنوان سپر ضربه‌گیر در مقابل فشارهای روانی عمل کند. از سوی دیگر، حمایت اجتماعی می‌تواند تسهیل‌کننده رفتارهای منتهی به سلامت روان گردد که عموماً به عنوان کمک دریافت شده از جانب دیگران در شرایط دشوار زندگی درک می‌گردد (فهیمی و همکاران، ۱۳۹۳). دوستان، آشنایان و خانواده خدمات عینی و اطلاعاتی فراهم می‌کنند که موجب می‌شود یک فرد احساس مراقبت و ارزشمند بودن کرده و احساس کند که او نیز بخشی از شبکه ارتباطی است (لیندزی و

تامپسون^۱، ۱۹۹۸). کوهن و ویلز^۲ (۱۹۸۵) در مورد دو مکانیسم صحبت می‌کنند که فرض می‌شود واسطه اثر ضربه‌گیر حمایت اجتماعی هستند. اول، حمایت اجتماعی با ضعیف کردن پاسخ ارزیابی استرس یا جلوگیری از آن، ممکن است بین آن اتفاق استرس‌زا و واکنش استرس، فاصله ایجاد کند؛ بنابراین، این دانش که فردی می‌تواند حمایت دوستان و اعضای خانواده‌اش را داشته باشد و لزوماً در آینده تنها نیست (به‌عنوان مثال، ارزیابی فقدان) ممکن است ضربه‌فقدان (در اینجا نبود ارتباط عاطفی) را کم کند و در برابر اثرات زیان‌بار سوگ عاطفی، مانند یک ضربه‌گیر عمل کند. دوم، مهار مقابله غیرانطباقی و تسخیل مقابله انطباقی. بر این اساس، حتی اگر حمایت اجتماعی در مقابل اثرات سوگ شکست بخورد، ارائه حمایت‌های اجتماعی ممکن است مقابله با استرس را تسهیل ببخشد و در نتیجه موجب سرعت‌بخشیدن به بهبود گردد (فهیمی و همکاران، ۱۳۹۳). لذا می‌توان انتظار داشت که با افزایش قدرت این ضربه‌گیر روانی، روابط عاطفی نیز از استحکام بیشتری برخوردار بوده و به موازات آن شکست عاطفی و عشقی کاهش یابد و در صورتی که فرد دچار شکست عاطفی شده است، به‌واسطه حمایت‌هایی که از اطرافیان دریافت می‌کند، هیجانات منفی کمتری و ضعیف‌تری را تجربه کند.

در پژوهش حاضر نقش الگوهای فرزندپروری به عنوان یک متغیر خانوادگی در شکست عشقی مورد بررسی قرار گرفت. چنانچه مشاهده شد نتایج نشان داد که الگوهای فرزندپروری بر شکست عشقی دختران و پسران شهر تهران تأثیر معنادار دارد که با پژوهش‌های پیشین (گاتمن، ۲۰۱۸؛ نیسیانی و همکاران، ۱۳۹۵؛ اکبری و همکاران، ۱۳۹۱؛ اسمعیلی کورانه و امیرسرداری، ۲۰۱۵؛ زافیروپلو و اوچیانو، ۲۰۱۴؛ تودوروویک و همکاران، ۲۰۱۲) همسو است. الگوی فرزندپروری، می‌تواند سبب پیدایش ویژگی‌های شخصیتی منحصربه‌فرد شده و نحوه برقراری و تداوم روابط بزرگ‌سالی را رقم بزند (اعزازی، ۱۳۸۲). به‌صورتی که هرچه شیوه تربیتی بیشتر در جهت اقتدار و ابراز محبت منطقی والدین پیش رود، به همان نسبت فرزندان در پی برقراری ارتباط مطلوب‌تر و متعادل‌تری گام برمی‌دارند (گاتمن، ۲۰۱۸). در واقع الگوها و رفتارهای نادرست والدین که سبب شکل‌گیری تجارب مطلوب با مراقبان اولیه (در بیشتر موارد والدین) می‌شود، در مدل‌های

-
1. Lindsey, & Tompson
 2. Cohen, & Wills

کارکرد درونی ذخیره می‌شوند، شناخت‌های فرد را تحت تأثیر قرار داده و بر عقاید و باورها نسبت به خود و دیگران اثر می‌گذارد، در نتیجه مانع یک مکانیسم مهم برای تنظیم عواطف و پریشانی می‌گردد و خطر آسیب‌های روان‌شناختی را افزایش می‌دهد (قنادی، عبداللهی و یارمحمدی واصل، ۱۳۹۳). در این ارتباط، تودورویک و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که اعمال شیوه‌های متعادل فرزندپروری توسط والدین می‌تواند با رضایت کلی از زندگی خانوادگی، روابط لذت‌بخش و مطلوب با شریک عاطفی در بزرگ‌سالی ارتباط مستقیم و معناداری داشته باشد. مطالعه حاضر نشان داد که درگیری و گرمی پدر به عنوان یک عامل بازدارنده در شکست عشقی عمل کند. این متغیرها که با ویژگی‌هایی چون پاسخگوبودن، حساس‌بودن، توجه مثبت به کودکان، تعریف می‌شود، موجب می‌شود تا در بزرگ‌سالی، ذهنیت‌ها و باورهای مثبتی در فرد نسبت به ارتباط برقرارکردن با دیگران و محبت‌کردن شکل گیرد و بتواند در برقراری، ایجاد و حفظ یک ارتباط عاطفی موفق عمل کند؛ بنابراین با توجه به نقش الگوهای فرزندپروری و سبک‌های دل‌بستگی در شکست عشقی ضروری است در خصوص سبک-های دل‌بستگی آموزش‌های لازم به والدین داده شود و آن‌ها را درباره دوره‌های حساس زندگی کودکان آگاه ساخت تا متوجه شوند در صورت عدم تعامل مطلوب با کودک وجود نداشتن سبک دل‌بستگی ایمن ممکن است چه خطراتی در آینده کودکان آن‌ها را تهدید کند. همچنین در دوران بزرگ‌سالی، باید به افراد دارای سبک دل‌بستگی ناسالم آگاهی‌های لازم در خصوص تعاملات، کارکردها و ویژگی‌های شخصیتی‌شان داده شود تا در این موارد با احتیاط عمل نموده و کمتر دچار مشکل شوند.

پژوهش حاضر دارای چند محدودیت بوده است. جامعه پژوهشی در مطالعه حاضر محدود به دختران و پسران ۱۸ / ۲۸ سال شهر تهران بوده است. لذا در تعمیم‌دهی نتایج به افرادی با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی متفاوت (از نظر جنسیت، سن و محل زندگی) باید با احتیاط انجام شود. همچنین با توجه این محدودیت و برای افزایش میزان تعمیم‌پذیری نتایج مطالعه حاضر و در جهت رفع محدودیت دوم، پیشنهاد می‌شود دیگر پژوهشگران نقش هر یک از این متغیرها را در افراد با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی متفاوت (از نظر سن، جنس و محل سکونت) مورد مطالعه قرار دهند.

منابع

- استرنبرگ، رابرت. (۱۹۸۶). *قصه عشق: نگرشی تازه به روابط زن و مرد*. ترجمه علی اصغر بهرامی (۱۳۹۷). تهران: جوانه رشد.
- اصغری نژاد، مهناز و دانش، عصمت. (۱۳۸۴). رابطه سبک‌های دل‌بستگی با میزان شادکامی و توافق در مسائل زناشویی در دانشجویان زن متأهل دانشگاه. *پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)*، ۴(۱۴)، ۶۹-۹۰.
- امان‌اللهی، عباس؛ تردست، کوثر و اصلانی، خالد. (۱۳۹۵). پیش‌بینی نشانگان ضربه عشق بر اساس سبک‌های دل‌بستگی و تمایز یافتگی در دانشجویان دختر دارای تجربه شکست عاطفی. *نشریه روان‌شناسی*، ۷۹(۳)، ۳۱۰-۳۲۷.
- امانی، ملاحظ. (۱۳۹۷). پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری مادران از طریق سبک‌های دل‌بستگی و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها. *رویش روان‌شناسی*، ۷(۱۱)، ۲۱-۳۴.
- بشارت، محمدعلی؛ گلی نژاد، محمد و احمدی، علی‌اصغر. (۱۳۸۲). بررسی رابطه سبک‌های دل‌بستگی و مشکلات بین شخصی. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۸(۴)، ۷۴-۸۱.
- بشارت، محمدعلی؛ کشاورز، سمیرا؛ غلامعلی لواسانی، مسعود و عربی، الهام. (۱۳۹۳). بررسی نقش واسطه‌ای خودشفقت‌ورزی، خودمهارگری و حمایت اجتماعی ادراک‌شده در رابطه روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه با کیفیت زندگی. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۱۳(۵۰)، ۱۷۷-۱۵۱.
- بشارت، محمدعلی؛ هدایتی، مریم و کردمیرزا نیکوزاده، عزت‌اله. (۱۳۹۳). نقش واسطه‌ای مشکلات بین شخصی در رابطه بین آسیب‌های دل‌بستگی و نشانه‌های اضطراب. *روانشناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۰(۳۹)، ۲۲۵-۲۳۶.
- بنی‌جمالی، شکوه‌السادات و احدی، حسن. (۱۳۹۵). *روان‌شناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روان‌شناسی کودک)*. تهران: بخشایش.
- حریریان، حمیدرضا؛ آقاجانلو، علی و غفوری فرد، منصور. (۱۳۹۲). بررسی وضعیت حمایت اجتماعی در بیماران همودیالیزی شهر زنجان. *فصلنامه علوم پزشکی*، ۲۳(۱)، ۷۴-۸۰.
- خوشابی، کتایون و ابوحمزه، الهام. (۱۳۹۶). *جان‌بالبی: نظریه دل‌بستگی*. تهران: دانژه.

رفاهی، ژاله و طاهری، محمد. (۱۳۹۸). پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری مادران بر اساس طرح‌واره‌های اولیه و سبک‌های دل‌بستگی آنان. *فصلنامه زن و جامعه*، ۱۰(۳۷)، ۱۹۶-۱۶۷.

رفیعی، سحر؛ حاتمی، ابوالفضل و فروغی، علی‌اکبر. (۱۳۹۰). رابطه‌ی بین طرح‌واره‌های ناسازگارانه‌ی اولیه و سبک دل‌بستگی در زنان دارای خیانت زناشویی. *فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه*، ۲(۵)، ۲۱-۳۶.

فروم، اریک. (۱۳۹۶). *هنر عشق ورزیدن*. ترجمه‌ی پوری سلطانی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

فهیمی، صمد؛ عظیمی، زینب؛ اکبری، ابراهیم؛ امیری پیچاکلائی، احمد و پورشریفی، حمید. (۱۳۹۳). پیش‌بینی نشانگان بالینی در دانشجویان دارای تجربه شکست عاطفی بر اساس ساختارهای شخصیتی: نقش تعدیل‌کننده حمایت اجتماعی ادراک‌شده. *مجله دانش و تندرستی*، ۹(۴)، ۴۶-۵۹.

قدسی، علی‌محمد و قائمی، مرتضی. (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی سبک‌های فرزندپروری با سبک فرزندپروری امام علی (ع) در نامه سی و یکم نهج‌البلاغه. *فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه*، ۲(۸)، ۱-۲۰.

گروولنیک، ون‌دیز. (۱۳۹۱). *روان‌شناسی تأثیر کنترل والدین و نتیجه معکوس آن بر کودکان*. ترجمه‌ی زهره شیرافکن و معصومه اسمعیلی. تهران: بعثت.

مظفری، فرهاد. (۱۳۹۲). نقش تشخیصی تنظیم هیجان و حمایت اجتماعی در معنادان‌گننام و معنادان تحت درمان نگهدارنده متادون. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی.

مقدم فر، نصیره و ذکایی آشتیانی، مهدیه. (۱۳۹۶). هم‌سنجی تمایزیافتگی خود، روان‌بنه‌های ناسازگار نخستین و حمایت اجتماعی ادراک‌شده زنان دارای همسر و زنان جداشده. *آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۳(۱)، ۹۳-۱۱۴.

مقدم فر، نصیره و شاه نظری، مهدی. (۱۳۹۶). بررسی نقش حمایت اجتماعی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در پیش‌بینی رضایت زناشویی زنان متأهل. *پژوهش پرستاری*، ۱۲(۵)، ۶۰-۵۳.

نوشادی، حسن. (۱۳۹۱). بررسی ارتباط بین جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های فرزندپروری با عملکرد خانواده معلمان شهرستان فراه‌شهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد.

یوسفی، رحیم. (۱۳۹۲). بررسی میزان شیوع و نقش عوامل جمعیت‌شناختی و روان‌شناختی (طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، صفات شخصیت و سبک‌های دل‌بستگی) در پیش‌بینی شکست‌های عاطفی در دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته مشاوره خانواده. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه تبریز.

- Ainsworth, M. D. S., Blehar, M. C., Waters, E., & Wall, S. N. (1978). *Patterns of attachment: A psychological study of the strange situation*. Psychology Press.
- Albor, C., Uphoff, E. P., Stafford, M., Ballas, D., Wilkinson, R. G., & Pickett, K. E. (2014). *The effects of socioeconomic incongruity in the neighbourhood on social support, self-esteem and mental health in England*. *Social science & medicine*, 111, 1-9.
- Alford, B. A., Freeman, A., Beck, A. T., & Wright, F. D. (1990). *Brief focused cognitive therapy of panic disorder*. *Psychotherapy: Theory, Research, Practice, Training*, 27(2), 230.
- Arntz, A. R., van Genderen, H., & Wijts, P. (2006). *Personality disorders*. *Psychopathology Handbook. Part 2 Clinical Practice*, 443-478.
- Ball, J., Mitchell, P., Malhi, G., Skillecorn, A., & Smith, M. (2003). *Schema-focused cognitive therapy for bipolar disorder: reducing vulnerability to relapse through attitudinal change*. *Australian & New Zealand Journal of Psychiatry*, 37(1), 41-48.
- Bamber, M. (2004). 'The good, the bad and defenceless Jimmy'—a single case study of Schema Mode Therapy. *Clinical Psychology & Psychotherapy: An International Journal of Theory & Practice*, 11(6), 425-438.
- Barazandeh, H., Kissane, D. W., Saeedi, N., & Gordon, M. (2016). *A systematic review of the relationship between early maladaptive schemas and borderline personality disorder/traits*. *Personality and Individual Differences*, 94, 130-139.
- Baumrind, D. (1966). *Effects of authoritative parental control on child behavior*. *Child development*, 887-907.
- Boeree, C. G. (2017). *Personality Theories: From Freud to Frankl*. CreateSpace Independent Publishing Platform
- Bosmans, G., Braet, C., & Van Vlierberghe, L. (2010). *Attachment and symptoms of psychopathology: Early maladaptive schemas as a cognitive link?*. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 17(5), 374-385.
- Brennan, K. A., Clark, C. L., & Shaver, P. R. (1998). *Self-report measurement of adult attachment: An integrative overview*.

- Cámara, M., & Calvete, E. (2012). *Early maladaptive schemas as moderators of the impact of stressful events on anxiety and depression in university students*. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 34(1), 58-68.
- Cassidy, J. (1999). *The nature of the child's ties*. In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications* (p. 3–20). The Guilford Press.
- Cervone, D., & Pervin, L. A. (2018). *Personality: Theory and research*. John Wiley & Sons.
- Chadwick, K. A., & Collins, P. A. (2015). *Examining the relationship between social support availability, urban center size, and self-perceived mental health of recent immigrants to Canada: A mixed-methods analysis*. *Social Science & Medicine*, 128, 220-230.
- Cobb, R. J., Davila, J., & Bradbury, T. N. (2011). *Attachment security and marital satisfaction: The role of positive perceptions and social support*. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 27(9), 1131-1143.
- Cockram, D. M., Drummond, P. D., & Lee, C. W. (2010). *Role and treatment of early maladaptive schemas in Vietnam veterans with PTSD*. *Clinical Psychology & Psychotherapy: An International Journal of Theory & Practice*, 17(3), 165-182.
- Cohen, P., Crawford, T. N., Johnson, J. G., & Kasen, S. (2005). *The children in the community study of developmental course of personality disorder*. *Journal of personality disorders*, 19(5), 466-486.
- Conway, M. A., & Pleydell-Pearce, C. W. (2000). *The construction of autobiographical memories in the self-memory system*. *Psychological review*, 107(2), 261.
- Cooper, C. L., & Pervin, L. A. (Eds.). (1998). *Personality: Critical concepts in psychology* (Vol. 4). Taylor & Francis US.
- Damiano, S. R., Reece, J., Reid, S., Atkins, L., & Patton, G. (2015). *Maladaptive schemas in adolescent females with anorexia nervosa and implications for treatment*. *Eating behaviors*, 16, 64-71.
- Dereli, E., & Karakuş, Ö. (2011). *An Examination of Attachment Styles and Social Skills of University Students*. *Electronic journal of research in educational psychology*, 9(2).
- Dwairy, M., Achoui, M., Abouserie, R., Farah, A., Sakhleh, A. A., Fayad, M., & Khan, H. K. (2009). *Parenting styles in Arab societies: A first cross-regional research study*. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 37(3), 230-247.
- Eken, E. (2017). *The role of early maladaptive schemas on romantic relationships: a review study*. *PEOPLE: International Journal of Social Sciences*, 3(3), 108-123.
- Esmali Kooraneh, A. & Amirsardari, L. (2015). *Predicting early maladaptive schemas using Baumrind's parenting styles*. *Iranian journal of psychiatry and behavioral sciences*, 9(2).
- Farrell, J. M., & Shaw, I. A. (2018). *Experiencing Schema Therapy from the Inside Out: A Self-Practice/Self-Reflection Workbook for Therapists: A Self-Practice/Self-Reflection Workbook for Therapists*.

- Fisher, H. E. (2014). *The tyranny of love: Love addiction—an anthropologist's view*. In *Behavioral Addictions* (pp. 237-265). Academic Press.
- Gallagher, K. C. (2002). *Does child temperament moderate the influence of parenting on adjustment?*. *Developmental Review*, 22(4), 623-643.
- Gao, G. (2001). *Intimacy, Passion and Commitment in Chinese and US American romantic Relationships*. *International Journal of Relations* 25,329-342.
- Hedley, L. M. (2001). *Hoffart A Sexton H. Early maladaptive schemas in patients with panic disorder with agoraphobia*. *J Cogn Psychother*, 15, 131-142.
- Hinrichsen, H., Waller, G., & Emanuelli, F. (2004). *Social anxiety and agoraphobia in the eating disorders: Associations with core beliefs*. *The Journal of Nervous and Mental Disease*, 192(11), 784-787.
- Hosseini, S., Rahimi, F., & Nouri, R. (2016). *On the effectiveness of the early maladaptive schemas and social support on the level of mental health in female students with romantic relationship*. *International Journal of Pharmaceutical Research & Allied Sciences*, 92-103.
- House, J. S. (1981). *Work stress and social support reading*. MA: Addison-Wesley.
- Johnson, J. G., Cohen, P., Kasen, S., Smailes, E., & Brook, J. S. (2001). *Association of maladaptive parental behavior with psychiatric disorder among parents and their offspring*. *Archives of general psychiatry*, 58(5), 453-460.
- Koepke, S., & Denissen, J. J. (2012). *Dynamics of identity development and separation-individuation in parent-child relationships during adolescence and emerging adulthood—A conceptual integration*. *Developmental Review*, 32(1), 67-88.
- Kweon, S. H., & Lee, S. Y. (2013). *A study on empathy, credibility, and political attitude in social media: Focused on the relationship between empathetic intention and the motivation of belonging on intended pro-social and political behavior*. *Advances in Journalism and Communication*, 1(03), 26.
- Landman-Peeters, K. M., Hartman, C. A., van der Pompe, G., den Boer, J. A., Minderaa, R. B., & Ormel, J. (2005). *Gender differences in the relation between social support, problems in parent-offspring communication, and depression and anxiety*. *Social science & medicine*, 60(11), 2549-2559.
- Maughan, A., & Cicchetti, D. (2002). *Impact of child maltreatment and interadult violence on children's emotion regulation abilities and socioemotional adjustment*. *Child development*, 73(5), 1525-1542.
- McDermott, N. (2008). *Early maladaptive schemas, attachment, negative affect and relationship satisfaction*. Unpublished Dissertation, Rowan University.
- Nilsson, K. K., Nielsen Straarup, K., & Halvorsen, M. (2015). *Early maladaptive schemas: A comparison between bipolar disorder and*

- major depressive disorder. *Clinical psychology & psychotherapy*, 22(5), 387-391.
- Olderbak, S., & Figueredo, A. J. (2009). Predicting romantic relationship satisfaction from life history strategy. *Personality and Individual Differences*, 46(5-6), 604-610.
- Prachakul, W., Grant, J. S., & Keltner, N. L. (2007). Relationships among functional social support, HIV-related stigma, social problem solving, and depressive symptoms in people living with HIV: a pilot study. *Journal of the Association of Nurses in AIDS Care*, 18(6), 67-76.
- Rijkeboer, M. M., & Genderen, H. V. Arntz, A. (2007). Schedule-oriented therapy. *EHM Eurelings-Bontekoe, R. Verheul & WM Snellen (ed.), Handbook of personality pathology*, 285-302.
- Rosse, R. B. (1999). *The love trauma syndrome: free yourself from the pain of a broken*. Perseus Publishing, a Member of the Perseus Books Group
- Rubin, Z. (1970). Measurement of romantic love. *Journal of Personality and Social Psychology*, 16(2), 265-273.
- Shorey, R. C., Anderson, S. E., & Stuart, G. L. (2012). Gender differences in early maladaptive schemas in a treatment-seeking sample of alcohol-dependent adults. *Substance use & misuse*, 47(1), 108-116.
- Stroebe, W., Stroebe, M., Abakoumkin, G., & Schut, H. (1996). The role of loneliness and social support in adjustment to loss: a test of attachment versus stress theory. *Journal of personality and social psychology*, 70(6), 1241.
- Suarez, L., Ramirez, A. G., Villarreal, R., Marti, J., McAlister, A., Talavera, G. A. & Perez-Stable, E. J. (2017). Social networks and cancer screening in four US Hispanic groups. *American journal of preventive medicine*, 19(1), 47-52.
- Thimm, J. C. (2010). Personality and early maladaptive schemas: A five-factor model perspective. *Journal of behavior therapy and experimental psychiatry*, 41(4), 373-380.
- Van Vreeswijk, M., Broersen, J., & Schurink, G. (2014). *Mindfulness and schema therapy: A practical guide*. John Wiley & Sons.
- Vonk, R. (1999). Schematics. In: R. Vonk (ed.), *Cognitive social psychology: psychology of daily thinking and doing* (p. 143-194). Utrecht: Lemma.
- Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2003). *Schema therapy: Conceptual model*. *Schema therapy: A practitioner's guide*, 1-62.
- Zafiropoulou, M., & Avagianou, P. A. (2014). Parental bonding and early maladaptive schemas. *Journal of Psychological Abnormalities*, 3 (110), 1-6.